

سال دوم

جلسه ۴۷

سال تحصیلی ۹۰ - ۹۱

چهارشنبه ۹۰ / ۱۰ / ۷

اقوال در بحث حروف

قول سوم

حرف و اسم  
در معنا  
با هم مختلف اند

قول دوم

بزرگسی نتند  
حرفی نتند  
هم معنا هستند

قول اول

بزرگسی نتند  
حرفی نتند  
دارای معنا نیستند

اقوال در بحث حروف

• بررسی شد  
نظریه اول:  
نظریه مرحوم نائینی

• بررسی شد  
نظریه دوم:  
نظریه مرحوم اصفهانی

• بررسی شد  
نظریه سوم:  
نظریه مرحوم عراقی

نظریه سوم:  
نظریه مرحوم عراقی

قول سوم

حرف و اسم  
در معنا  
با هم مختلف اند

## بیان نظریه

**حروف، دو دسته اند:**

**دسته اول :** آنهایی که بر «مرکبات ناقصه» و «معانی افرادی» وارد می شوند = من دار زید  
**دسته دوم :** آنهایی هستند که بر «مرکبات تامه» وارد می شوند = لیت، لعل، حروف نداء

**علت وضع گروه اول :**

«مفاهیم اسمی» را به قیودی که از حقیقت آن مفهوم خارج هستند مقید کنند

لذا : اصلا عنایتی به «وجود رابط» و «اعراض نسبی» ندارند

چراکه : مفاهیم اسمی قابل آن هستند که به انحاء مختلف تقسیم شوند و مطلق هستند

## بیان نظریه

### اطلاقات مفاهیم اسمی:

۱. اطلاق نسبت به «تنويع»: اطلاق حيوان در قیاس با انسان و حمار
۲. اطلاق نسبت به «صنوف»: انسان نسبت به سفید پوست و سرخ پوست
۳. اطلاق نسبت به «افراد»: انسان نسبت به زید و عمرو
۴. اطلاق نسبت به «حالات»: زید نسبت به جوانی و پیری

### غرض متکلم:

گاهی: افاده «مفهوم مطلق» است

گاهی: نیز غرض متکلم، افاده «حصّه خاصی» از مطلق است

## بیان نظریه

نمی توان برای هر حصّه (حالت خاصی از مطلق)، «نام گذاری» کرد!

چراکه : این حصص بی نهایت هستند

پس : حکیم محتاج آن است که به وسیله ادواتی این نوع تخصص و تقید را بیان کند

وسيله مذکور موارد زیر است :

«حروف + هیئت مشتقات + هیئت اضافه + هیئت وصف»

در جمله «الصلاه فی المسجد مستحب»:

- لفظ «صلاه و مسجد» : در همان معنای اطلاقی به کار رفته اند

- لفظ «فی» : می فهماند که حکم مربوط به حصّه ای خاص از نماز است

## بیان نظریه

مطابق بودن این نظریه با «مبنای تعهد» در بحث وضع

چراکه واضح تعهد می کند که:

- اگر خواست مفهوم را به نحو مطلق مورد اشاره قرار دهد : کلمه را به تنهایی می آورد

- اگر حصه خاصی از آن را خواست : از یکی از ادوات، استفاده می کند

استعمال حروف درباره موجودات، معدومات، ممکنات و واجب تعالی !

چراکه : «تضییق و توسعه» مذکور در حیطة «مفاهیم» است،

و «مفهوم بما هو مفهوم» قابل پذیرش تقیید و تضییق است

## بیان نظریه

قسم اول حروف : مثل جمله های انشائی هستند

فرق جمله انشائی با جمله خبری :

- در جمله های «انشائی» :

ما «امر نفسانی» خود را ابراز می کنیم ولی نه به جهت آنکه از آنها حکایت کنیم

- در جملات «خبری» :

ما از «واقع» حکایت می کنیم.

پس : حروف نداء وضع شده اند برای ابراز اینکه متکلم قصد دارد مطلبی را «ندا» کند